

دورنمای همکاری‌های ایران و کشورهای "آسیای میانه و قفقاز" در بخش انرژی "گاز"

مقاله ارائه‌شده در چهاردهمین گردهمایی فصلی کمیته انرژی، شهریور ۷۹

اصغر سهیلی پور*

اعتبار ویژه‌ای برخوردار است. بررسی واقعیات اقتصادی موجود در منطقه آسیای میانه و قفقاز، نشان‌دهنده ضعف اقتصادی غالب کشورهای این منطقه می‌باشد. شرایط نامساعد آب و هوایی خصوصاً در منطقه آسیای میانه و به‌طور کلی مشکلات ناشی از حاکمیت نظام کمونیستی در زمان اتحاد جماهیر شوروی (سابق) و تبعات اقتصادی ناشی از فروپاشی شوروی از جمله علل تشدیدکننده وضعیت نامطلوب اقتصادی این کشورها می‌باشد. مطالعات انجام شده توسط یک گروه آلمانی درباره وضعیت اقتصادی کشورهای آسیای میانه نشان داده‌است که در ابتدای فروپاشی نظام شوروی، جمهوریهای تاجیکستان، قرقیزستان، ترکمنستان و ازبکستان از ضعیف‌ترین اقتصادها در چارچوب شوروی سابق بوده‌اند. کشورهای منطقه قفقاز نیز با کمی تفاوت، شباهت زیادی به

پاکستان، دارا بودن ذخایر هیدروکربوری و معادن غنی طلا، مس، اورانیوم و سایر فلزات سنگین، تنوع محصولات کشاورزی و جمعیت رو به رشد، از اهمیت خاصی در جهان برخوردار می‌باشد، به طوری که برخی از صاحب‌نظران از این منطقه به عنوان "قلب آسیا" نام برده‌اند. منطقه قفقاز نیز منطقه‌ای است کوهستانی که در جنوب غربی روسیه واقع شده است، این منطقه از غرب به دریای سیاه و آذوف، از شرق به دریای خزر، از شمال به سواحل کوما - مانیچ، از جنوب به ایران و از جنوب غربی به ترکیه محدود می‌شود. کل منطقه قفقاز حدود ۴۴۰ هزار کیلومتر مربع وسعت دارد که فقط ۱/۱۸۶ هزار کیلومتر مربع آن شامل کشورهای آذربایجان، ارمنستان و گرجستان می‌باشد. از این مجموعه، منطقه قفقاز جنوبی و به خصوص جمهوری آذربایجان و ارمنستان برای ایران از

پنج جمهوری آسیای میانه شامل ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و قزاقستان سرزمینی به مساحت ۳۹۹۴۴۰۰ کیلومتر مربع را در برمی‌گیرند. کل جمعیت این پنج جمهوری حدود ۵۰ میلیون نفر است. در میان این کشورها، قزاقستان از نظر وسعت پهناورترین آنهاست و به تنهایی از سراسر کشورهای اروپای غربی وسیع‌تر بوده و در حدود دو برابر چهار کشور دیگر منطقه آسیای میانه وسعت دارد. این کشورها از نظر موقعیت جغرافیایی در میان کشورهای ایران، چین، مغولستان، روسیه، (کشمیر) و افغانستان واقع شده‌اند و مرزهای جنوبی شوروی سابق را تشکیل می‌دهند. این منطقه به دلیل دارا بودن برخی مولفه‌های ویژه، از جمله استقرار در نزدیکی تقاطع آسیا و اروپا، قرابت ارضی با قدرتهای مهمی چون چین، هند، روسیه، ایران و

* مدیر برنامه‌ریزی تلفیقی، شرکت ملی گاز ایران

منطقه آسیای میانه دارند.

تولید ناخالص داخلی کشورهای این مناطق از آغاز دهه ۹۰ تا سال ۱۹۹۸ دارای رشدی منفی بوده است. بالاترین کاهش تولید ناخالص داخلی کشورهای این منطقه به گرجستان (۱۲/۸ - درصد)، آذربایجان (۱۱/۵ - درصد)، تاجیکستان (۹/۸ - درصد) و ترکمنستان (۸/۷ - درصد) اختصاص داشته است. در سال ۱۹۹۸، تولید ناخالص داخلی کشورهای منطقه آسیای میانه و قفقاز تنها ۰/۲ درصد از کل تولید ناخالص داخلی جهان را شامل می شده است.

در طی سالهای اخیر، تراز حساب جاری تقریباً تمامی کشورهای آسیای میانه و قفقاز منفی بوده است، به طوری که در سال ۱۹۹۸ مجموع تراز حساب جاری این کشورها بالغ بر ۳۸۹ - میلیون دلار بوده و کشورهای آذربایجان (۳۵ درصد)، قزاقستان (۳۱ درصد)، ترکمنستان (۲۴ درصد) و ارمنستان (۱۰ درصد) به ترتیب بالاترین کسری را در حساب جاری کشورشان دارا می باشند.

سرمایه گذاری خارجی انجام شده در بسیاری از این کشورها درصد بالایی از تولید ناخالص داخلی آنها را تشکیل داده است. در سال ۱۹۹۸، سرمایه گذاری خارجی انجام شده در آذربایجان ۲۶ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور را شامل می شده است که این میزان نیز ۶۶/۵ درصد از کل سرمایه گذاری داخلی

انجام شده در این کشور در سال مذکور می باشد. سهم سرمایه گذاری خارجی از تولید ناخالص داخلی ارمنستان نیز در این سال ۱۲/۲ درصد بود که این میزان ۶۴/۴ درصد از کل سرمایه گذاری داخلی این کشور بوده است.

با توجه به واقعیت های اقتصادی حاکم بر کشورهای این منطقه، تداوم چنین وضعیتی برای آنان در بلندمدت امکان پذیر نمی باشد، لذا آنان ناگزیر از ایجاد برنامه های مشخص جهت افزایش رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی در منطقه خواهند بود.

اگر چه انرژی به عنوان محرک بسیار قوی در روند توسعه اقتصادی، جایگاه خاصی را در میان برخی از کشورهای این مناطق داشته است، لیکن عواملی چون سرمایه و نیروی انسانی نیز دورکن اصلی در فرایند توسعه به شمار می روند. کشورهای این مناطق با تکیه بر توان ذخیره ای نفت و گاز منطقه تلاش گسترده ای را جهت تامین انرژی مورد نیاز اقتصاد کشورشان

نموده اند، لیکن به دلیل زیرساخت ضعیف این دسته از کشورها از نظر تامین سرمایه مورد نیاز، تکنولوژی و نیروی انسانی متخصص، جذب انرژی در اقتصاد این مناطق نیز چندان قابل ملاحظه نمی باشد. بررسی وضعیت صنعت نفت و گاز برخی از کشورهای بزرگ این مناطق، این ادعا را به اثبات می رساند.

ذخایر نفت و گاز منطقه آسیای میانه و قفقاز عمدتاً در چهار کشور آذربایجان، ترکمنستان، ازبکستان و قزاقستان قرار دارند. ترکمنستان و قزاقستان هر کدام قریب ۳۰ درصد از کل ذخایر نفت و گاز منطقه را به خود اختصاص داده اند.

بررسی مقایسه ای ذخایر هیدروکربوری این منطقه با جهان نشان می دهد که در ابتدای سال ۲۰۰۰، قریب ۵/۱ درصد از ذخایر گاز جهان و ۱/۶ درصد از ذخایر نفت خام جهان (مجموعاً ۳/۳ درصد از کل ذخایر نفت خام و گاز طبیعی

ازبکستان در حال حاضر

بزرگترین تولیدکننده گاز طبیعی

منطقه آسیای میانه و قفقاز به شمار می رود

و گاز تولیدی آن

جهت تامین مصرف داخلی این کشور

مورد استفاده قرار می گیرد

جهان) در این منطقه قرار گرفته است. چهار کشور بزرگ منطقه آسیای میانه و قفقاز، در این سال قریب ۱۵ درصد از کل ذخایر نفت و گاز شوروی سابق را به خود اختصاص داده اند (۱۳/۱ درصد از ذخایر گاز و ۲۵/۶ درصد از ذخایر نفت).

ایران با دارا بودن ذخایر عظیمی از نفت و گاز، به عنوان یکی از رقبای بزرگ کشورهای منطقه آسیای میانه و قفقاز در آینده مطرح می باشد. در حال حاضر، ایران با دارا بودن ۱۶ درصد از کل ذخایر گاز و ۹ درصد از ذخایر نفت خام جهان (مجموعاً ۱۲ درصد از کل ذخایر نفت و گاز جهان) دارای توان ذخیره ای به میزان چهار برابر منطقه آسیای میانه و قفقاز می باشد.

موقعیت جغرافیایی کشورمان و مجاورت آن با کشورهای بزرگ صاحب ذخیره گاز طبیعی (مانند ترکمنستان) از یک طرف و با کشورهای متقاضی گاز (ترکیه، پاکستان و...) از طرف دیگر شرایط ویژه ای را برای ایران فراهم نموده است.

بنابراین، ایران می تواند با در نظر گرفتن منافع اقتصادی کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت فعالیت های بین المللی و مبادلات گاز را به صورت صادرات، واردات، معاوضه و یا ترانزیت به طور توأم در مجاورت کشورهای آسیای میانه و قفقاز مدنظر قرار دهد.

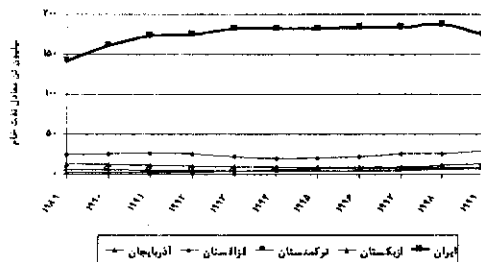
علی رغم افت و خیزهای زیاد بازار نفت منطقه آسیای میانه و قفقاز، تولید نفت خام آن طی دهه اخیر از افزایشی به میزان ۲/۳ درصد در سال برخوردار بوده است. بالاترین رشد تولید نفت خام این منطقه در دهه اخیر به کشور ازبکستان اختصاص دارد، به طوری که تولید نفت آن از ۳ میلیون تن در سال ۱۹۸۹ به ۸ میلیون تن در سال ۱۹۹۹ افزایش داشته است. فروپاشی شوروی و ویژگیهای خاص صادرات گاز طبیعی، عوامل بسیار مهمی در کاهش گاز تولیدی این منطقه می باشد. طی دهه اخیر، تولید گاز این منطقه در حدود ۵ درصد در سال کاهش یافته است. کاهش تولید گاز طبیعی این منطقه عمدتاً مربوط به کشور ترکمنستان و به میزان ۱۲/۸ درصد در سال می باشد.

ازبکستان در حال حاضر بزرگترین تولیدکننده گاز طبیعی منطقه آسیای میانه و قفقاز به شمار می رود و گاز تولیدی آن جهت تامین مصرف داخلی این کشور مورد استفاده قرار می گیرد. در سال ۱۹۹۹، قریب ۵۹ درصد از گاز تولیدی

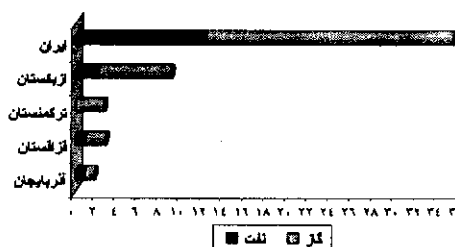
این منطقه به کشور ازبکستان اختصاص داشته است. ترکمنستان دومین تولیدکننده بزرگ گاز منطقه به شمار می رود و سهم بالایی از تولیدات این کشور جهت اهداف صادراتی مورد استفاده قرار می گیرد. سهم صادرات گاز طبیعی ترکمنستان از تولید کشور طی دهه اخیر به میزان قابل ملاحظه ای کاهش یافته است، به طوری که از ۸۳ درصد در سال ۱۹۸۹ به ۴۷ درصد در سال ۱۹۹۹ رسیده است. فروپاشی شوروی سابق و قطع صادرات گاز این کشور با خط لوله به روسیه و سایر جمهوریهای شوروی سابق عامل اصلی ایجاد چنین روندی می باشد.

بررسی سبب تولید نفت خام و گاز طبیعی منطقه آسیای میانه و قفقاز نشان می دهد که در سال ۱۹۹۹، ازبکستان با سهمی به میزان ۳۹ درصد و قزاقستان با ۲۸ درصد به ترتیب بزرگترین تولید کنندگان نفت و گاز منطقه بوده اند. تولید نفت و گاز این منطقه در طی دهه اخیر به دلیل کاهش شدید تولید گاز طبیعی دارای

تولید نفت خام ایران و منطقه آسیای میانه و قفقاز



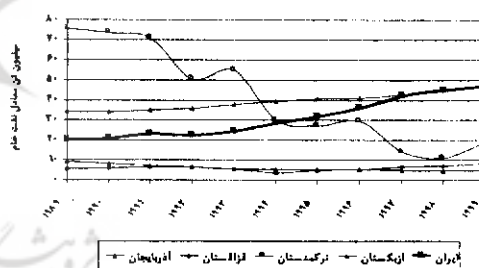
ذخایر اثبات شده نفت خام و گاز طبیعی ایران و منطقه آسیای میانه و قفقاز - ژانویه ۲۰۰۰



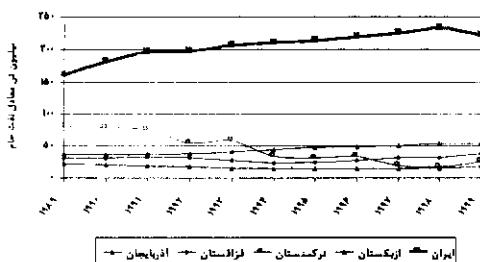
تولید نفت خام و گاز طبیعی منطقه آسیای میانه و قفقاز - سال ۱۹۹۹



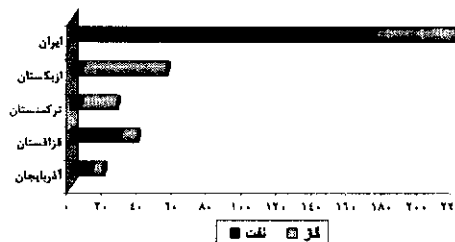
تولید گاز ایران و منطقه آسیای میانه و قفقاز



تولید نفت خام و گاز ایران و منطقه آسیای میانه و قفقاز



تولید نفت خام و گاز طبیعی ایران و منطقه آسیای میانه و قفقاز - سال ۱۹۹۹



رشدی منفی به میزان ۲/۲ درصد بوده است، کاهش تولید نفت و گاز در کشور ترکمنستان نسبت به دیگر کشورهای منطقه بسیار قابل ملاحظه بوده و قریب ۱۱ درصد می‌باشد - در کشور ازبکستان و قزاقستان به دلیل فعال نبودن در صحنه‌های بین‌المللی و لذا آسیب‌پذیری کمتر از تحولات سیاسی شوروی سابق، همچنان از رشد مثبت تولید در دهه اخیر برخوردار بوده‌اند.

بررسی روند تولید نفت و گاز در ایران نشان می‌دهد که در طی دهه اخیر، رشد سالانه تولید گاز طبیعی بیش از ۴ برابر رشد سالانه نفت خام بوده است. در طی دوره ۹۹-۱۹۸۹، متوسط رشد سالانه نفت خام و گاز طبیعی در ایران به ترتیب ۲/۱ درصد و ۹ درصد بوده است. اعمال سیاست مبتنی بر افزایش سهم گاز طبیعی در سبد مصرف انرژی، عامل اصلی افزایش تولید گاز طبیعی کشور در این دوره به‌شمار می‌رود.

سبد تولید نفت و گاز در ایران طی دهه اخیر از متوسط رشد سالانه‌ای به میزان ۳/۲ درصد برخوردار بوده است و این امر عمدتاً به دلیل افزایش تولید گاز طبیعی می‌باشد.

مصرف نفت خام و گاز طبیعی چهار کشور بزرگ منطقه آسیای میانه و قفقاز طی دهه اخیر کاهش قابل ملاحظه‌ای داشته است. شرایط اقتصادی نامناسب،

ضرورت دستیابی به درآمدهای ناشی از صدور نفت و گاز و به وجود نیامدن توان جذب انرژی در بخشهای مختلف اقتصاد به دلیل روند کند فعالیت‌های اقتصادی، عوامل مهمی در کاهش مصرف انرژی این کشورها به‌شمار می‌رود.

طی دهه اخیر، مصرف نفت این منطقه با متوسط سالانه‌ای به میزان ۵/۶ درصد کاهش یافته است و به استثنای ترکمنستان، مصرف نفت خام کلیه کشورهای مورد بررسی، کاهش سالانه‌ای بیش از ۲/۵ درصد داشته‌اند. قزاقستان بالاترین کاهش رشد مصرف را (۱۰/۱ درصد در سال) طی این دوره به خود اختصاص داده است. کاهش مصرف گاز طبیعی منطقه آسیای میانه و قفقاز در طی دهه اخیر بسیار کمتر از مصرف نفت خام بوده است. در این دوره، مصرف گاز منطقه به‌طور متوسط ۰/۳ درصد در سال کاهش یافت که بالاترین آن، مربوط به آذربایجان بوده است. مصرف گاز این کشور در این دهه، قریب ۱۰ درصد در سال کاهش داشته است و در مقابل

ازبکستان شاهد افزایش مصرف گاز طبیعی به میزان ۳/۶ درصد در سال در این دوره بوده است. بررسی سبد مصرف نفت و گاز منطقه نشان می‌دهد که بیش از ۵۰ درصد از مصرف به کشور ازبکستان اختصاص یافته است. افزایش مصرف گاز طبیعی در این کشور عامل مهمی در جایگزین نمودن گاز با نفت و کاهش سهم نفت خام در سبد مصرف انرژی بوده است. ترکمنستان دومین مصرف‌کننده بزرگ نفت و گاز منطقه به‌شمار می‌رود و در سال ۱۹۹۹، قریب ۱۶ درصد از کل مصرف منطقه به این کشور اختصاص یافته است.

ازبکستان به‌عنوان بزرگترین مصرف‌کننده نفت و گاز منطقه از رشد مصرفی به میزان ۲/۵ درصد در سال در طی این دوره برخوردار بوده است، لیکن مصرف نفت و گاز در سایر کشورهای منطقه همواره روبه کاهش بوده است.

کاهش مصرف گاز طبیعی

منطقه آسیای میانه و قفقاز

در طی دهه اخیر

بسیار کمتر از مصرف نفت خام بوده است

مصرف نفت و گاز منطقه طی دهه اخیر با متوسط کاهش سالانه‌ای به میزان ۲/۱ درصد از ۱۱۲ میلیون تن معادل نفت خام به ۹۱ میلیون تن معادل نفت خام رسیده است.

مصرف نفت و گاز ایران در مقایسه با کشورهای آسیای میانه و قفقاز از ویژگیهای خاصی برخوردار می‌باشد. در طی دوره ۱۹۹۹-۱۹۸۹، مصرف نفت و گاز کشور به ترتیب از متوسط رشد سالانه‌ای به میزان ۳/۲ درصد و ۹/۶ درصد برخوردار بوده است. سیاست جایگزینی گاز طبیعی با نفت خام و فرآورده‌های نفتی عامل مهمی در افزایش رشد سالانه مصرف گاز طبیعی نسبت به نفت می‌باشد. بررسیهای انجام شده نشان می‌دهند که طی دوره مذکور، سبد مصرف نفت و گاز کشور با متوسط رشد سالانه‌ای به میزان ۷/۴ درصد از ۵۴ میلیون تن معادل نفت خام به ۱۱۰ میلیون تن نفت خام افزایش یافته است.

از آنجا که هدف از ارائه این مقاله، بررسی

چگونگی همکاری کشورهای آسیای میانه و قفقاز در بخش انرژی و به‌ویژه گاز طبیعی می‌باشد، لذا جهت بررسی مبادلات بین‌المللی این منطقه تنها به بررسی چگونگی مبادلات گاز طبیعی منطقه خواهیم پرداخت.

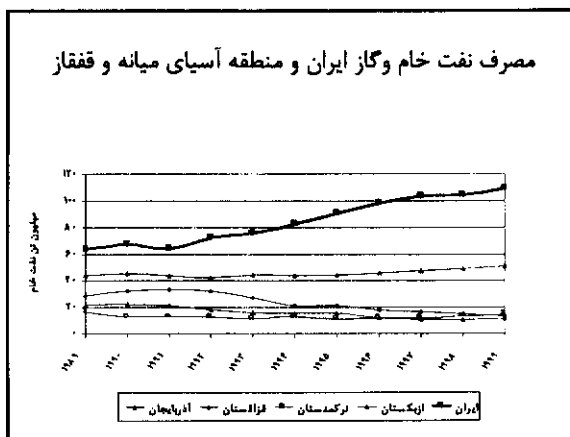
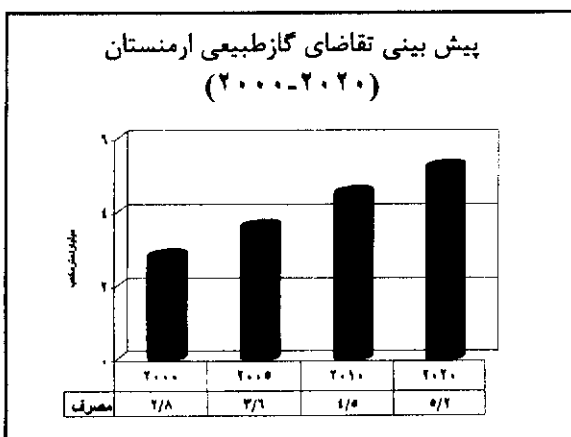
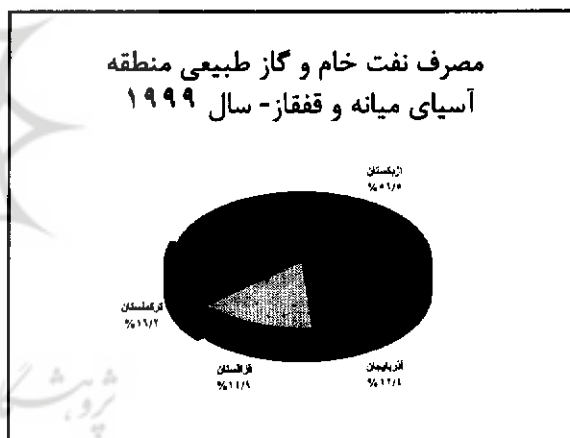
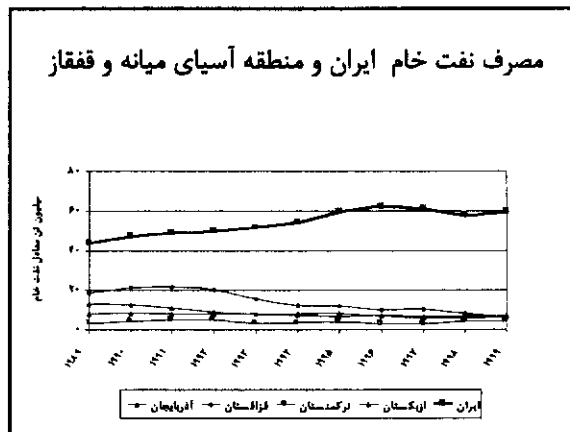
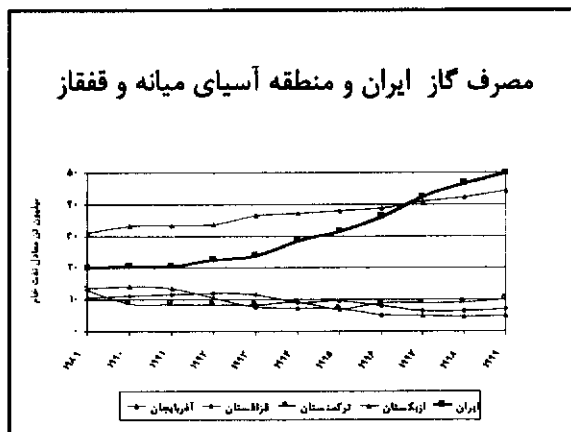
مصرف گاز طبیعی منطقه آسیای میانه و قفقاز تنها با تکیه بر تولید از منابع داخلی و تا قبل از فروپاشی شوروی از طریق واردات از سایر جمهوریهای منطقه تامین گردیده است. طی سالهای اخیر، ترکمنستان تنها عرضه‌کننده گاز به بازار جهانی و ایران بوده و جهت انجام این امر خط لوله‌ای به طول ۱۴۰ کیلومتر و به قطر ۴۰ اینچ در مسیر مرز ایران و ترکمنستان تأیید گردیده است.

صادرات گاز ترکمنستان به ایران با حجمی به میزان ۴۰۰ میلیون مترمکعب، در سال ۱۳۷۶ آغاز شده و در سال ۱۳۷۸ به ۲ میلیارد مترمکعب رسیده است. طی دوره مذکور (۷۸-۱۳۷۶)، مجموع کل صادرات گاز ترکمنستان به ایران ۴/۳ میلیارد مترمکعب بوده است.

ایران طی دهه گذشته، در برهه‌هایی از زمان اقدام به صادرات گاز به آذربایجان نموده، لیکن این مبادلات در مقیاس بسیار کم و تنها در دوره‌های زمانی کوتاهی صورت پذیرفت است.

توسعه بازار صادراتی، رقابت میان بازار کشورهای مختلف منطقه، درجه موفقیت کشورها جهت استفاده از خطوط لوله گاز روسیه، سرعت در ایجاد خطوط لوله جدید صادراتی و مصرف داخلی، عوامل تأثیرگذاری بر روند گسترش تولید و مبادلات بین‌المللی به‌شمار می‌روند.

به‌طور کلی محدودیت ویژه‌ای جهت انتقال گاز منطقه آسیای میانه و قفقاز به بازارهای بین‌المللی وجود ندارد. از نظر تکنولوژیکی، امکان احداث خطوط گاز جهت صدور به اروپا، هند، چین و حتی شرق آسیا وجود دارد. در این میان، بهره‌گیری از سیستم خطوط انتقال گاز روسیه نیز می‌تواند مدنظر قرار گیرد. مبادله گاز در شکل LNG نیز یکی دیگر از راههای احتمالی گسترش فعالیت‌های تجاری این منطقه می‌باشد، لیکن محدودیت‌های اقتصادی و سیاسی خاصی در آزادی عمل دولت‌های این کشورها و نیز شرکای خصوصی آنها جهت انتخاب راهبرد صادرات وجود دارد. به‌طور مثال، در بسیاری از مسیرهای پیشنهادی ترانزیت گاز از کشورهای



ثالث و نیز مناطقی که از نظر سیاسی مشکلاتی به همراه دارد، اجتناب ناپذیر می‌باشد و در برخی از موارد، طرحهای مبادلاتی در قیمت‌هایی بالاتر از قیمت‌های جاری امکان تحقق خواهند یافت. بررسی برخی از طرحهای احتمالی و مطالعات مربوط به مبادلات گاز طبیعی منطقه، مسائل مبتلا به این گونه طرحها را به‌ویژه در منطقه آسیای میانه و قفقاز نشان می‌دهد. ترکیه در راهبرد صادرات گاز کشورهای منطقه آسیای میانه و قفقاز نقشی کلیدی و حساس دارد. زیرا این کشور می‌تواند نقشی واسطه‌ای جهت عرضه گاز به اروپا ایفا نماید، لذا مسیر بسیار مناسبی جهت انتقال گاز منطقه آسیای میانه و قفقاز به اروپا می‌باشد. بسیاری از کشورهای منطقه دستیابی به بازار اروپا را از طریق روسیه به دلیل تضاد منافع چندان جایز نمی‌دانند و روسیه نیز تمایل چندانی به همکاری با رقبای دیگر در بازار پرسود اروپا ندارد (شایان ذکر است که ایران از سال ۱۳۸۰، صادرات گاز خود را به ترکیه در چارچوب قرارداد ۲۲ ساله میان دو کشور آغاز خواهد نمود).

ترکمنستان و آذربایجان تاکنون تمایلاتی در جهت عرضه گاز به ترکیه اظهار نموده‌اند. تشکیل کنسرسیوم "شاه‌دیز" با هدف صدور گاز آذربایجان به ترکیه، یکی از طرحهای پیشنهادی در جهت تحقق هدف مذکور می‌باشد.

کنسرسیوم "شاه‌دیز" به‌عنوان سومین کنسرسیوم عمده بین‌المللی جهت اکتشاف و توسعه دریای خزر و جمهوری آذربایجان ایجاد گردید. شرکت عامل کنسرسیوم بی‌پی آمکو و شرکت استات‌اوایل نروژ هر یک دارای ۲۵/۵ درصد از سهام، شرکت دولتی نفت آذربایجان (سوکار) ۱۰ درصد، لوک‌اوایل (آجیپ) ۱۰ درصد، شرکت نفت ترکیه (T.P) ۹ درصد، شرکت اِلف ۱۰ درصد و شرکت ایرانی OEIC نیز ۱۰ درصد از سهام کنسرسیوم را دارا می‌باشند.

این کنسرسیوم جهت دستیابی سریع به بازار ترکیه، اجرای طرح صدور نوری گاز ناحیه شاه‌دیز به ترکیه را تحت عنوان «صدور سریع گاز» مدنظر قرار داده است. میزان گاز صادراتی در این طرح در مرحله اول ۲ تا ۵ میلیارد مترمکعب در سال اعلام گردیده است. با توجه به این طرح، روند رشد توسعه میدان شاه‌دیز متناسب با رشد نیاز وارداتی ترکیه تنظیم

می‌گردد.

شایان ذکر است که برنامه توسعه مخزن و تولید حوزه شاه‌دیز به صورت مرحله‌ای برای حالات حداقل ۵، حد متوسط ۱۰ و حداکثر ۱۶ میلیارد مترمکعب در سال به ترتیب در سالهای ۲۰۰۳، ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ برنامه‌ریزی شده است. اجرای طرحهای توسعه این میدان نیاز به انجام کامل قراردادهای فروش و صدور و سایر تضمین‌های تحویل به موقع گاز و میعانات به خریداران دارد.

نقش ایران در این طرح به‌عنوان کشور ثالث مسیر خط لوله خواهد بود که گاز تحویلی از آذربایجان را با استفاده از سیستم انتقال شمال غرب کشور به مرز ترکیه تحویل می‌نماید. موضوع ترانزیت و معاوضه گاز تحویلی از آذربایجان باید با در نظر گرفتن کلیه ابعاد ساختاری صنعت گاز، سیستم انتقال، مسائل

بسیاری از کشورهای منطقه

دستیابی به بازار اروپا را

از طریق روسیه به دلیل تضاد منافع

چندان جایز نمی‌دانند

اقتصادی و ملاحظات سیاسی مورد توجه قرار گیرد.

شایان ذکر است که حوزه نفتی شاه‌دیز برای نخستین بار در سال ۱۹۵۴ میلادی توسط زمین‌شناسان آذربایجان کشف گردید. این حوزه در منطقه‌ای به وسعت ۷۶۰ کیلومتر مربع در دریای خزر واقع شده و در ۷۰ کیلومتری جنوب شرق شهر باکو قرار دارد. براساس اطلاعات موجود، میزان ذخایر کلی این حوزه ۷۰۰ میلیارد مترمکعب است که گفته می‌شود ۲۰۰ میلیارد مترمکعب آن برای جبران هزینه‌های اکتشاف و بهره‌برداری به مصرف خواهد رسید و از ۵۰۰ میلیارد مترمکعب ذخایر باقیمانده، ۶۵-۷۰ درصد سهم سرکار و بقیه هم به اعضای کنسرسیوم متعلق خواهد بود.

ترکمنستان یکی دیگر از کشورهای فعال در بازار بین‌المللی گاز به‌شمار می‌رود. در حال حاضر، ایران تنها طرف تجاری این کشور در بازار بین‌المللی می‌باشد، لیکن این کشور در

بلندمدت، صادرات گاز به ترکیه، ژاپن، هند، پاکستان و چین را مدنظر قرار داده است. تحقق این طرحها، مستلزم عبور خط لوله از کشورهای ثالث واقع در مسیر خواهد بود.

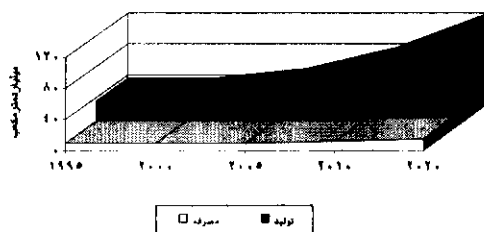
بررسیها و مطالعات انجام شده نشان می‌دهند که عرضه گاز منطقه آسیای میانه و قفقاز از نظر اقتصادی از قابلیت توجیه بالایی برخوردار می‌باشد. براساس نتایج حاصل از یک بررسی که توسط IEA انجام گرفته است، هزینه انتقال ۷ میلیارد مترمکعب گاز ترکمنستان به ترکیه قریب ۶۰ دلار به ازای هر هزار مترمکعب گاز خواهد بود، در حالی که هزینه زغال سنگ و نفت کوره مصرفی در نیروگاههایی که توسط گاز ترکمنستان جایگزین می‌شوند، به ترتیب ۱۲۷ و ۱۹۸ دلار به ازای معادل هزار مترمکعب گاز طبیعی می‌باشد (منبع: IEA). با توجه به این بررسی، در صورتی که آذربایجان توان کافی را جهت عرضه گاز به ترکیه به دست آورد، صادرات گاز به این کشور با هزینه کمتری ممکن خواهد بود. لذا آذربایجان در آینده به‌عنوان یک رقیب بزرگ و جدی برای ترکمنستان در بازار ترکیه مطرح خواهد بود.

ترکمنستان و شرکت‌های فعال در این کشور تمایل زیادی به بازار هند و پاکستان دارند و تاکنون تلاشهای مطالعاتی در زمینه احداث خط لوله صادرات گاز به پاکستان از طریق افغانستان، جهت ایجاد مبادلات انرژی با این کشور انجام گرفته است. براساس پیش‌بینی‌های انجام شده، تقاضای گاز پاکستان در سال ۲۰۰۰ به ۲۷ میلیارد مترمکعب، در سال ۲۰۰۵ به ۳۶ میلیارد مترمکعب و در سال ۲۰۱۰ به ۴۸ میلیارد مترمکعب می‌رسد و با توجه به سطح تولید پیش‌بینی شده برای این کشور به میزان ۲۹-۲۷ میلیارد مترمکعب در سال، از اوایل هزاره سوم میلادی این کشور باید جهت تامین تقاضای فزاینده گاز طبیعی به دنبال عرضه کنندگان مطمئن باشد.

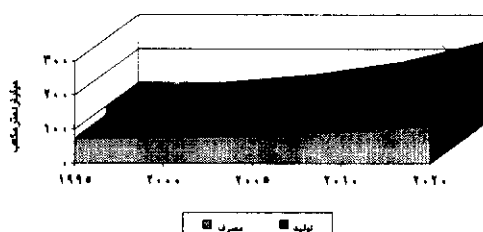
پیش‌بینی‌های انجام شده در چارچوب چگونگی عرضه و تقاضای گاز طبیعی هند نیز طی دهه آینده نشان می‌دهد که این کشور نیز جهت تامین تقاضای گاز مورد نیاز ناگزیر از واردات گاز خواهد بود.

مطالعات بانک جهانی نشان می‌دهد که صادرات گاز آسیای میانه به پاکستان و هند از نظر اقتصادی توجیه‌پذیر می‌باشد. هزینه عرضه گاز طبیعی از آسیای میانه به پاکستان با احداث

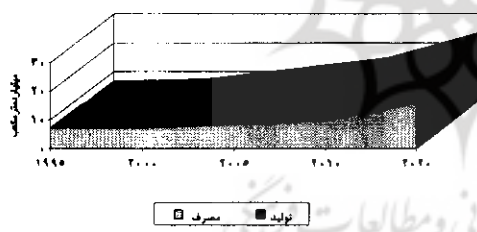
پیش بینی عرضه و تقاضا گاز طبیعی ترکمنستان (۲۰۰۰-۲۰۲۰)



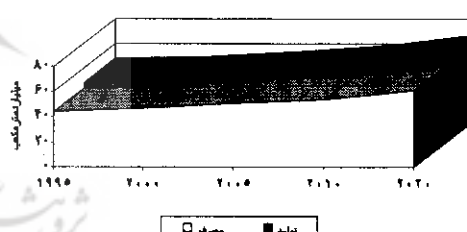
پیش بینی عرضه و تقاضا گاز منطقه آسیای میانه و قفقاز (۲۰۰۰-۲۰۲۰)



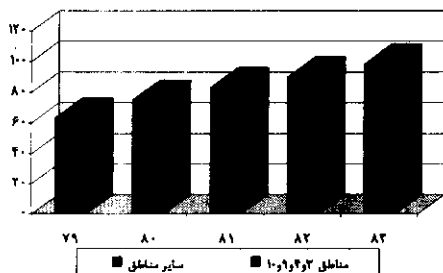
پیش بینی عرضه و تقاضا گاز طبیعی آذربایجان (۲۰۰۰-۲۰۲۰)



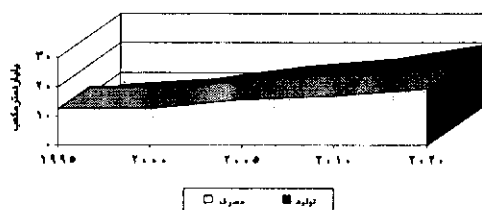
پیش بینی عرضه و تقاضا گاز طبیعی ازبکستان (۲۰۰۰-۲۰۲۰)



رشد تقاضای گاز طبیعی ایران (برنامه سوم توسعه)



پیش بینی عرضه و تقاضا گاز طبیعی قزاقستان (۲۰۰۰-۲۰۲۰)



خط لوله‌ای به طول ۲۵۰۰ کیلومتر، قریب ۷۸-۶۰ دلار به ازای هر هزار مترمکعب خواهد بود. هزینه عرضه گاز به هند نیز در یک مسیر ۳۸۰۰ کیلومتری، حدود ۱۰۹-۸۱ دلار به ازای هر هزار مترمکعب برآورد شده است (منبع: IEA).

مقایسه هزینه واردات گاز این کشورها با ارزش سوخت جایگزین شده با گاز طبیعی (برای پاکستان نفت کوره و برای هند زغال سنگ)، نشان‌دهنده اقتصادی بودن واردات گاز این کشورها می‌باشد. زیرا ارزش جایگزینی گاز با سوخت‌های متعارف مصرفی در پاکستان و هند به ترتیب ۲۰۱ دلار و ۱۲۰ دلار به ازای معادل هزار مترمکعب گاز خواهد بود (منبع: IEA).

ایران و قطر با توجه به توان ذخیره‌های گاز طبیعی و نزدیکی به این دو کشور، دو رقیب جدی برای ترکمنستان به‌شمار می‌روند. با توجه به ویژگی‌های خاص جغرافیایی ایران در راستای عرضه گاز به هند و پاکستان، ایران می‌تواند دارای دو نقش اساسی باشد. ۱- عرضه‌کننده مستقیم گاز به پاکستان ۲- ترانزیت و معاوضه گاز تحویلی از ترکمنستان و انتقال آن به پاکستان.

ارمنستان یکی دیگر از امکانات موجود تقاضای گاز منطقه به‌شمار می‌رود و ایران به‌عنوان یکی از همسایگان نزدیک این کشور، نقش عمده‌ای در تأمین انرژی و به‌ویژه گاز طبیعی این کشور می‌تواند ایفا نماید. همکاری‌های اقتصادی ایران و ارمنستان از سال‌های اولیه استقلال این کشور آغاز گردید و دامنه این همکاریها در طی زمان رو به گسترش می‌باشد. با توجه به محدودیت منابع انرژی در ارمنستان و وابستگی شدید این کشور به واردات انرژی (قریب ۹۵ درصد)، تأمین به موقع انرژی مورد نیاز کشور یکی از اهداف راهبردی این کشور به‌شمار می‌رود.

شوروی سابق و به‌عبارتی روسیه و سایر جمهوریهای شوروی سابق، نقش بسیار زیادی در تأمین انرژی این کشور ایفا می‌نمایند. گاز طبیعی در این کشور همواره به‌عنوان یکی از سوخت‌های اصلی سبد انرژی مطرح بوده و گاز مورد نیاز کشور عمدتاً از سه مسیر تأمین گردیده است:

- مسیر شمالی اصلی که از طریق روسیه می‌باشد

- مسیر آذربایجان - گرجستان

- مسیر استپاناکرت به ارمنستان

در حال حاضر، مسیر شمالی اصلی روسیه تنها مسیر تأمین گاز ارمنستان می‌باشد، لیکن این کشور تمایل زیادی جهت دسترسی به گاز ایران نشان داده است. یکی از علل عمده این تمایل، روند افزایش تقاضای گاز این کشور می‌باشد. بررسیهای انجام شده نشان می‌دهد که تقاضای گاز ارمنستان طی دوره ۲۰۲۰-۲۰۰۰ با متوسط رشد سالانه ۳/۱ درصد از ۲/۸ میلیارد مترمکعب در ابتدای دوره به ۵/۲ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۲۰ خواهد رسید.

یکی دیگر از عوامل موثر در تمایل ارمنستان جهت ایجاد مبادلات تجاری انرژی با ایران، مشکلات و تنگناهای موجود در رابطه با واردات گاز از روسیه و سایر جمهوریهای شوروی سابق می‌باشد.

در راستای گسترش مبادلات گاز طبیعی بین دو کشور ایران و ارمنستان، از سال ۱۹۹۲

ایران و قطر

با توجه به توان ذخیره‌های گاز طبیعی و نزدیکی به هند و پاکستان دو رقیب جدی برای ترکمنستان به‌شمار می‌روند

مذاکرات مقدماتی آغاز گردیده و در سال ۱۹۹۵ قرارداد صدور گاز ایران به ارمنستان به امضا رسید. مدت این قرارداد ۱۵ سال و حجم گاز تحویلی یک میلیارد مترمکعب در سال می‌باشد. براساس قرارداد مذکور، گاز تحویلی تنها در ۸ ماه سال (فصول گرم سال) انجام خواهد پذیرفت.

انجام این طرح مستلزم ایجاد سیستم جدید انتقال گاز طبیعی از طرف ایران و دریافت و انتقال گاز به نقاط مصرف از طرف ارمنستان می‌باشد. در این راستا، قریب ۱۱۰ کیلومتر خط انتقال گاز با قطر "۲۴ از باسمنج در نزدیکی تبریز به مگری در مرز ارمنستان و همچنین ایستگاه تقویت فشار مربوطه در ایران با هزینه‌ای بالغ بر ۴۲ میلیون دلار باید احداث گردد. بازسازی و نوسازی ۷۹ کیلومتر از خط لوله موجود و احداث ۲۳۷ کیلومتر خط لوله با قطر تا "۲۸ نیز از جمله فعالیت‌هایی است که طرف ارمنی با هزینه‌ای به میزان ۷۸ میلیون دلار جهت انتقال گاز به نقاط مصرف باید به انجام برساند.

انعقاد این قرارداد و برقراری جریان گاز ایران به ارمنستان علاوه بر افزایش حسن همجواری میان طرفین، آثار مثبت و سازنده دیگری را نیز به‌ویژه در بازار مبادلات انرژی به همراه خواهد داشت:

الف - مزایای حاصل از مبادلات انرژی برای کشور ارمنستان:

- افزایش امنیت عرضه

- گسترش شبکه‌های انتقال انرژی

- افزایش ارزش افزوده ناشی از مصرف انرژی در کشور از طریق جایگزینی گاز با دیگر

حامل‌های انرژی و وارداتی

- کاهش آلودگیهای زیست محیطی ناشی از جایگزینی گاز

- کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد ارمنستان به دلیل تنوع بخشیدن به منابع عرضه

ب - مزایای حاصل از مبادلات انرژی برای کشور ایران

- گسترش و یا تقویت شبکه‌های انتقال گاز طبیعی

- برقراری اتصال جنوب به شمال سیستم عرضه گاز طبیعی

- کسب درآمد ارزی

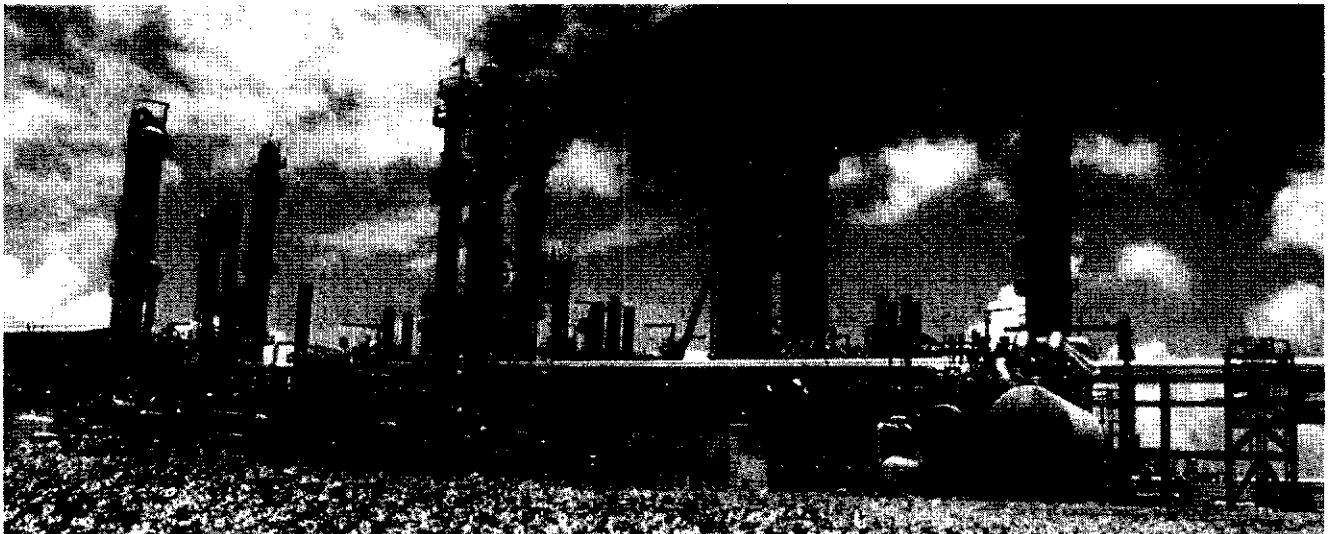
- انتقال دانش فنی به‌ویژه در زمینه ایجاد سیستم گازرسانی

- ایجاد زمینه مناسب عرضه گاز طبیعی (به شکل صادرات مستقیم، ترانزیت و یا

معاوضه) به سایر کشورهای منطقه قفقاز و یا آسیای میانه

- افزایش اعتماد عمومی کشورهای منطقه و سایر کشورهای جهان به‌ویژه در زمینه مبادلات انرژی. لذا کاهش آسیب‌پذیری کشور در نتیجه موضع‌گیریهای خاص برخی مجامع بین‌المللی و کشورهای غرب و استقرار ارمنستان در تقاطع راه‌های ترانزیت ذخایر انرژی

به بازارهای اروپا، یکی از ویژگی‌های خاص و با اهمیت این کشور به‌شمار می‌رود. در سال گذشته، طرح انتقال ۳۰ میلیارد مترمکعب گاز ترکمنستان از طریق ارمنستان، توسط معاون مؤسسه گاز ارمنستان مطرح گردید. در این طرح، احداث خط لوله در مسیر ترکمنستان، آذربایجان، ارمنستان و ترکیه به طول ۱۸۵۰ کیلومتر و با هزینه ۲/۹ میلیارد دلار اعتبار پیشنهاد گردیده است و صاحب‌نظران معتقدند که این مسیر نسبت به مسیر ترکمنستان، آذربایجان، گرجستان و ترکیه به طول ۲۰۶۰ کیلومتر و ۳/۴ میلیارد دلار



هزینه، از اولویت اقتصادی بیشتری برخوردار می‌باشد. شایان ذکر است، علی‌رغم پائین‌سازی بسیاری از کشورها بر مسیرهای مختلف برای انتقال ذخایر انرژی کشورهای ساحلی دریای خزر به بازارهای جهانی، کارشناسان مسائل اقتصادی معتقدند جمهوری اسلامی ایران به دلیل دسترسی آسان به آبهای آزاد و داشتن امکانات بالقوه در منطقه، امن‌ترین و بهترین مسیر ممکن برای انتقال ذخایر انرژی به بازارهای بین‌المللی است.

پیش‌بینی عرضه و تقاضای نفت و گاز در منطقه آسیای میانه و قفقاز

عرضه و تقاضای نفت و گاز منطقه آسیای میانه و قفقاز با در نظر گرفتن مفروضات خاص اقتصادی، تکنولوژیکی و سیاسی مربوط به هر کشور منطقه، توسط IEA در دو سناریو بالا و پایین مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به اینکه پیش‌بینی‌های انجام‌شده در سناریوی بالا براساس مفروضات بسیار خوش‌بینانه در زمینه عرضه و تقاضا می‌باشد، لذا احتمال عدم تحقق آن بیش از سناریوی پایین به نظر می‌رسد، بنابراین در مقاله حاضر، تنها به بررسی سناریوی پایین پرداخته و عمدتاً به بخش گاز توجه خواهیم کرد.

پیش‌بینی‌های انجام شده نشان می‌دهند که طی دو دهه آینده، چهار کشور بزرگ و عمده این منطقه به دلیل عرضه بیش از تقاضای داخلی نفت خام، به عنوان صادرکننده نفت خام در جهان مطرح خواهند بود و روند صادرات نفت خام آنها با برخورداری از متوسط رشد سالانه‌ای به میزان ۸/۶ درصد از ۲۸/۶ میلیون تن در سال ۲۰۰۰ به ۱۴۸ میلیون تن در سال ۲۰۲۰ افزایش خواهد

یافت. قزاقستان و آذربایجان به ترتیب بزرگترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان نفت خام طی این دو دهه خواهند بود. در مقابل، تولید نفت ترکمنستان تنها جهت تامین مصارف داخلی به کار گرفته شده و این کشور در مبادلات جهانی نفت خام در دهه‌های آینده نقشی نخواهد داشت.

بررسی پیش‌بینی چگونگی عرضه و تقاضای گاز طبیعی این مناطق نیز نشان می‌دهد که طی دو دهه آینده، صادرات گاز طبیعی این منطقه با متوسط رشد سالانه‌ای به میزان ۷/۸ درصد به ۱۱۶ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۲۰ افزایش خواهد یافت. طی دو دهه آینده، ترکمنستان بزرگترین صادرکننده منطقه آسیای میانه و قفقاز خواهد بود، به طوری که ۸۷/۶ درصد از مجموع کل صادرات گاز طبیعی این مناطق به این کشور اختصاص خواهد داشت.

ازبکستان به عنوان دومین عرضه‌کننده گاز این مناطق شناخته شده است. قریب ۶/۸ درصد از کل صادرات گاز منطقه به این کشور اختصاص خواهد داشت. حجم صادرات گاز این کشور طی دو دهه آینده تقریباً دو برابر خواهد شد و از ۳/۵ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۰۰ به ۶/۳ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۲۰ می‌رسد.

آذربایجان سومین عرضه‌کننده گاز طبیعی این مناطق طی دو دهه آینده می‌باشد. این کشور از اواسط دهه ۲۰۱۰، به عنوان صادرکننده گاز در جهان می‌تواند مطرح گردد، لیکن حجم صادرات آن نسبت به ترکمنستان بسیار کم است (۵/۶ درصد از کل صادرات احتمالی دو دهه آینده به این کشور اختصاص خواهد یافت).

قزاقستان طی دهه‌های آینده جهت تامین تقاضای پیش‌بینی‌شده گاز طبیعی کشور ناگزیر از

واردات خواهد بود. این کشور تا اواسط دهه ۲۰۲۰ اقدام به واردات گاز خواهد نمود، لیکن در سال ۲۰۲۰ با افزایش توان تولید و پاسنگویی تولید به تقاضای پیش‌بینی شده، واردات گاز این کشور به صفر می‌رسد.

جمع‌بندی و پیشنهادها

کشورهای منطقه آسیای میانه و قفقاز با دارا بودن ۳/۳ درصد از ذخایر نفت و گاز جهان (۵ درصد از ذخایر نفت خام و ۱/۶ درصد از ذخایر گاز جهان) از لحاظ امکانات ذخیره‌ای انرژی، از اهمیت چندانی در میان سایر کشورهای مجاور برخوردار نیستند. زیرا این کشورها از طرف دو قطب بزرگ صاحبان ذخایر نفت و گاز، یعنی روسیه و ایران محصور شده‌اند (براساس آخرین برآوردهای انجام شده توسط IEA ذخایر نفت خام دریای خزر ۴۰-۱۵ میلیارد بشکه و ذخایر گاز طبیعی ۹/۲-۶/۷ تریلیون مترمکعب برآورد شده است). لیکن موقعیت ژئوپلیتیکی این گروه از کشورها و استقرار آنها در تقاطع مسیرهای ترانزیت ذخایر انرژی به مصرف‌کنندگان عمده و بزرگ، ویژگی خاص و شرایط حساسی را برای این دسته از کشورها به‌ویژه به دلیل مسائل سیاسی حاکم بر منطقه و ایران فراهم می‌نماید.

از طرف دیگر، ساختار ضعیف اقتصادی این کشورها و تلاش آنان جهت حرکت در مسیر توسعه با استعانت از کمک سایر کشورهای جهان و به‌ویژه کشورهای قدرتمندی مانند آمریکا و برخی از کشورهای اروپایی عاملی جهت شکل‌دهی انتخاب سیاست انرژی و چگونگی رفتار آنان در بازار بین‌المللی انرژی به‌عنوان عرضه‌کننده و یا انتخاب کشورهای ثالث واقع در

مسیر خطوط انتقال می‌باشد. علاوه بر این، حرکت رو به رشد اقتصاد این کشورها مستلزم دستیابی به منابع کافی انرژی از طریق انجام سرمایه‌گذاریهای جدید می‌باشد.

بررسیهای انجام شده توسط IEA نشان می‌دهد که طی دوره ۲۰۲۰-۲۰۰۰، در میان چهار کشور بزرگ این منطقه (قزاقستان، ازبکستان، آذربایجان و ترکمنستان) در بخش نفت خام به استثنای ترکمنستان، سایر کشورها به‌عنوان صادرکنندگان نفت خام می‌توانند در جهان مطرح گردند (تولید و مصرف ترکمنستان در این دوره متوازن می‌باشد) و در بخش گاز طبیعی نیز به استثنای قزاقستان، سایر کشورها توان عرضه گاز را به بازارهای بین‌المللی دارا خواهند بود و در این میان، ترکمنستان به‌عنوان بزرگترین عرضه‌کننده گاز به بازارهای بین‌المللی می‌تواند مطرح باشد.

بنابراین، با توجه به پیش‌بینی‌های موجود، کشورهای منطقه آسیای میانه و قفقاز باید از هم‌اکنون به دنبال مشتریانی با توان تقاضای بالا و مسیرهای اقتصادی مطمئن و با درجه خطر پایین باشند، زیرا طرح‌های گازرسانی دارای ماهیتی سرمایه‌بر و در بسیاری مواقع غیر قابل انتقال به گونه‌های دیگری از فعالیت می‌باشند. انتخاب مشتریان و مسیرهای انتقال مناسب و نیز کشورهای ثالث واقع در مسیر بسا و یژگیهای

سیاسی و اقتصادی مناسب و به عبارتی کشورهایی که از ثبات سیاسی بالایی برخوردار باشند و در عین حال رعایت توصیه‌های دستوری برخی از کشورهای بزرگ صنعتی که نقش عمده‌ای در توسعه اقتصادی این کشورها ایفا می‌نمایند، امری بسیار مشکل و حساس به نظر می‌رسد.

ایران به‌عنوان یکی از همسایگان بزرگ منطقه آسیای میانه و قفقاز، به دلیل برخی از ویژگیهای جغرافیایی و اقتصادی نقش مهمی در چگونگی روند مبادلات بین‌المللی انرژی این منطقه ایفا می‌نماید:

- توان بالای ذخیره انرژی و به‌ویژه گاز طبیعی
- همجواری با کشورهای با دارای توان ذخیره‌ای انرژی قابل صدور در منطقه آسیای میانه و قفقاز

- دارا بودن توان مصرف بالا در مناطق مختلف کشور و به‌ویژه مناطق مجاور به منطقه آسیای میانه و قفقاز و لذا امکان معاوضه گاز طبیعی قابل صدور این منطقه

- همجواری مسالمت‌آمیز اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایران با کشورهای منطقه

- دسترسی به آبهای آزاد و لذا سهولت عرضه نفت و گاز به بازارهای بین‌المللی

- دارا بودن سیستم انتقال وسیع گاز طبیعی از شرق تا غرب و از جنوب تا شمال کشور، جهت ارسال گاز از مراکز تولیدی به مراکز مصرف و صادرات

- دارا بودن دانش فنی و توان عملی بالا جهت احداث سیستم انتقال جدید نفت و گاز و همکاری با کشورهای منطقه در جهت گسترش سیستم انتقال مورد نیاز اهداف مبادلاتی برای هر یک از کشورهای متقاضی منطقه.

عدم تمایل غالب کشورهای آسیای میانه و قفقاز جهت بهره‌گیری از سیستم انتقال گاز روسیه، در راستای تحقق اهداف مبادلاتی

طی دو دهه آینده،

ترکمنستان با ۸۷/۶ درصد

از مجموع کل صادرات گاز طبیعی

آسیای میانه و قفقاز

بزرگترین صادرکننده

این منطقه خواهد بود

انرژی، یکی از متغیرهایی است که به‌عنوان نقطه‌قوت دیگری علاوه بر آنچه ذکر شد، برای ایران مطرح می‌باشد.

از طرف دیگر، اقتصاد گازرسانی به بخش‌های مختلف مصرف‌کننده کشور می‌تواند از طریق بهره‌گیری هر چه بیشتر از مزیت همجواری با کشورهای آسیای میانه که در آینده به‌عنوان عرضه‌کنندگان انرژی و به‌ویژه گاز مطرح خواهند بود، متاثر گردد.

گسترده‌گی سیستم انتقال گاز طبیعی در ایران و نیز پراکندگی نقاط مصرف، استفاده هر چه بیشتر از این موقعیت‌ها را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید، زیرا این امر تاثیرات اقتصادی به‌همراه خواهد داشت:

- ایجاد درآمد ارزی ناشی از حق عبور گاز از کشور

- کاهش هزینه عرضه گاز به مصرف‌کنندگان داخلی
- امکان بهره‌برداری از ظرفیت‌های مازاد خطوط لوله گاز

- امکان مشارکت در سرمایه‌گذاری این‌گونه طرح‌ها برای شرکت‌های ایرانی و سهیم شدن در سود آن.

شایان ذکر است که در طرح صادرات گاز ترکمنستان به ایران، احداث ۱۴۰ کیلومتر خط لوله انتقال گاز ترکمنستان تا مرز ایران و احداث تاسیسات نهم‌زدایی گاز وارداتی توسط متخصصان ایرانی (شرکت ملی نفت) انجام گرفته است و لذا ایران با پشتوانه قراردادن نیروهای متخصص داخلی و دانش فنی موجود، قادر به مشارکت جدی در اجرای طرح‌های مبادلاتی گاز، به‌ویژه طرح‌های مبادلات گاز منطقه آسیای میانه و قفقاز در آینده خواهد بود.

ایران در حال حاضر از یک سیستم به‌هم پیوسته گاز طبیعی در مسیرهای جنوب به شمال و شرق به غرب برخوردار می‌باشد. جریان رفت و برگشت گاز در این مسیرها، امکان بهره‌گیری هر چه بیشتر از منابع عرضه گاز را در مناطق مختلف فراهم نموده است. گاز وارداتی از کشورهای همجوار در شمال کشور جهت تامین مصارف گاز طبیعی این مناطق می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد و این امر از انتقال گاز در مسیرهای طولانی جنوب به شمال جلوگیری به‌عمل می‌آورد. پیش‌بینی‌های انجام شده نشان می‌دهند که طی برنامه پنج‌ساله سوم توسعه، قریب ۴۳ درصد از کل تقاضای گاز در مناطق شمال و شمال‌شرق کشور خواهد بود، لذا گاز وارداتی از ترکمنستان می‌تواند جهت تامین بخشی از این مصارف و جلوگیری از تراکم حجم گاز در مسیرهای شمال به جنوب و ایجاد امکان تغذیه مناطق غرب و شمال غرب توسط خطوط سراسری به‌کار گرفته شود.

معاوضه و ترانزیت گاز طبیعی مناطق آسیای میانه و قفقاز از راه‌های دیگر بهره‌گیری ایران از مزایای همجواری با این دسته از کشورهاست. گستره فعالیت ایران در هر یک از روش‌های مذکور، از روابط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشورهای ذی‌نفع، چگونگی و گستردگی توان سیستم عرضه گاز کشور ثالث (ایران) و نیاز مصرفی گاز طبیعی کشورها به‌نحو قابل ملاحظه‌ای تاثیر خواهد پذیرفت. ایران امیدوار است با تداوم و گسترش روابط مسالمت‌آمیز اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با کشورهای همجوار، حداکثر منافع را از طریق انجام مبادلات انرژی و به‌ویژه گاز طبیعی به‌دست آورد. ■